

«با اتحاد پیروز میشویم، با افتراق شکست میخوریم»

- باید هیکویی باشی

روایتی از تجربه موفق و خلاقانه کارگران کارخانه هپکواراک در کمک رسانی به مناطق سیل زده لرستان

- ایران برنده مدال طلای جهان خصوصی سازی مدارس متوسطه بین سال های 1998 تا 2017

- احضار غالب حسینی به حراست سپاه شهر سنندج

- آزادی اصغر امیرزادگان کنشگر فرهنگی شیراز با قرار کفالت 20 میلیون تومانی

- عدم پرداخت 2 ماه حقوق کارگران خدمات شهری رشت

- مصدومیت 3 کارگر معدن مس نسیم بر اثر سقوط تانکر هیدرولیک دستگاه سنگ شکن

- حادثه آتش سوزی لنج ماهیگیری در بابلسر 4 مصدوم برجا گذاشت

***باید هیکویی باشی**

روایتی از تجربه موفق و خلاقانه کارگران کارخانه هپکواراک در کمک رسانی به مناطق سیل زده لرستان



"وقتی وارد شهر شدیم، بعضی ها گفتند، نکند "هپکو" بیها، اینجا هم آمده اند برای اعتراض...! ولی ما آمدم شاید لایه لای لودر و بیل مکانیکی چینی! در پلدختر و روستاهای اطرافش، گره ای به دست کارگران کارخانه ای که زمانی یکی از بزرگترین تولید کنندگان تجهیزات سنگین در خاورمیانه بود، باز شود".

حالا همان بعضی ها فهمیدند که "هپکویی"، یک روز برای احقاق حق خود و احیای صنعت کشور " فریاد میزند" و یک روز برای کنترل بحرانی که جان مردمانش را تهدید می کند، "به فریاد آنها می رسد".. باید "هپکویی" باشی تا با دستانی که زمانی پیچ و مهره ماشین آلات سنگین راهسازی درجه یک تولید ایران را بازوبسته می کرد، یخچال و بخاری خانه های مردم سیل زده را تعمیر کنی .. تا نم و رطوبت خانه ها، کودکی را بیمار نکند.. تا کمی، کم شود از رنج های این مردم ... باید هپکویی باشی تا بدون تجهیزات و تنها به اتکای تخصص و اراده ات، "خط شکن" باشی.. تا ثابت کنی اگر امروز تحت سیطره رانت و واردات بی رویه ماشین آلات چینی، چرخ تولید هپکو از حرکت ایستاده و از برند هپکو تنها یک نام باقی مانده، صدای قدم های محکم کارگرانش، در مدیریت بحران شنیده می شود. صدایی که همچنان مطالبه می کند و از جای خالی تجهیزات کارآمد هپکو در مناطق سیل زده می گوید..

امکانات نداشتیم، خلاقیت داشتیم

همین چند روز پیش بود که یک خبر کوتاه روی کانالهای تلگرامی پخش شد. "کارگران هپکو در چند روز گذشته مشغول امدادسانی در مناطق سیل زده هستند. همان کارگرانی که سال گذشته، در اعتراض به خصوص سازی بی ضابطه در هپکو و همچنین عدم دریافت ۸ ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند و چندین بار راه آهن شمال به جنوب را بستند و در نهایت تعدادی از آنها، با احکام سنگین قضایی مواجه شدند." هر جوری بود خودشان را به لرستان و خوزستان رساندند. نه از ماموریت اداری خبری بود و نه از تجهیزات و ابزار کار. مرخصی کاری گرفتند و بیش از 8 روز در مناطق بحران زده لرستان بودند، بدون کمترین سروصدای رسانه ای.. " ما در قالب سه تیم عازم پلدختر شدیم. یک تیم 15 نفره و دو تیم دونفره. هرکاری کردیم ماموریت برایمان رد نکردند. به همین دلیل مرخصی اداری گرفتیم و گفتیم حتی اگر این هم نشود، با مرخصی شخصی می رویم. تیم های دو نفره، با ماشینهای پیک آپ و تجهیزات، برای تعمیر ماشین آلات به مناطق سیل زده رفتند. یکی از تیم های دو نفره در پل دختر مستقر شد و تیم دیگر برای کمک رسانی به شوش در خوزستان رفت. 8 روز در یک مدرسه اسکان داشتیم که دستشویی هایش آب نداشت و شرایط استحمام هم به سختی فراهم می شد و از نظر تغذیه ای هم شرایط مطلوبی نداشتیم. اما کارگران هپکو بدون چشمداشت و با کمترین امکانات، امدادسانی کردند".

اینها گفته های یکی از کارگرانی است که در قالب تیم امدادسان هپکو در مناطق سیل زده حاضر بوده است. او و گروهی دیگر از کارگران هپکو، اکنون در حال انجام هماهنگی ها و نیازسنجی برای کمک به مناطق سیل زده خوزستان هستند. محمد قهیه کارگر شرکت هپکو و عضو تیم کمک رسانی به مناطق سیل زده، در گفتگو با جامعه نو از شیوه امدادسانی این تیم در پلدختر و ابتکار و خلاقیت کارگران هپکو در مدیریت بحران می گوید: نتایج بررسی های ما و کارگران بخش فنی هپکو نشان داد که مناطق سیل زده با بحرانهای زیادی مواجه هستند که تنها محدود به جمع آوری و لایروبی گل و لای نمی شود و با توزیع نیروی مناسب و استفاده از حداقل ترین تخصص ها میتوان بخشی از این مشکلات را مرتفع کرد. به همین دلیل و بر اساس نیازسنجی های انجام شده، گروه فنی تصمیم گرفت که به جای ورود صرف به موضوع جمع آوری گل و لای، به تعمیر لوازم خانگی و در مواردی،

تعمیر و نوسازی ماشین آلات و ابزارکار خانواده های سیل زده در شهرها و روستاهای لرستان
بپردازد.

از تعمیر بخاری و کولر تا نوسازی ماشین آلات کشاورزی

این کارگر ادامه میدهد: با همین فکر، تیم های دو نفره ما با ماشین پیک آپ داخل شهر می چرخیدند و هر جا خانواده ای نیاز به تعمیر لوازم خانگی منزلش داشت، نسبت به تعمیر و نوسازی این تجهیزات اقدام می کردند. در روستاها هم وضع به همین منوال بود. اگر ماشین آلات کشاورزی و ابزارکارشان آسیب دیده بود، توسط بچه های ما تعمیر و سرویس می شد. خانه هایی که بخاری نداشتند و رطوب و نم ناشی از سیل، باعث مریضی خانواده و بچه ها شده بود، بخاریهایشان تعمیر شد. با گرم شدن هوا در روزهای اخیر، متوجه شدیم برخی خانه ها نیاز به خنک کننده و سرویس کولرهایشان دارند. داخل همه کولرها پر از گل و لای شده بود و باید این تجهیزات نوسازی می شد که خوشبختانه گروههای امدادرسان ما توانستند همه این موارد را تعمیر و سرویس کنند.

هیچکوی ها با اجاره یک ملک در پل دختر، کارواش و تعمیرگاه کوچکی راه اندازی کردند و با خریداری برخی ابزارآلات، شروع به تعمیر تجهیزات خانگی کردند. همین ایده باعث شد، گروههای دیگر امدادرسان و تازه وارد به منطقه به این نتیجه برسند که کمک رسانی فقط محدود به تامین غذا، لوازم بهداشتی و مواردی از این دست نمی شود، هر گروهی با استفاده از تخصصی که دارد می تواند بخشی از مشکلات به وجود آمده ناشی از سیل را مرتفع کند.

او اضافه می کند: وضعیت بخاری ها و کولرها طوری بود که پر از گل و لای شده بودند. بچه ها به دقت تمام این گل و لای را با دست درمی آورند. پیچ های این دستگاهها باز می شد، شستشو در کارواش انجام می گرفت و بعد از تست در خانه ها، به خانواده ها تحویل داده می شد.

"12 ساعت در شبانه روز کار می کردیم"

این کارگر می گوید: کار بچه ها در هشت روزی که در پل دختر و روستاهای اطرافش مستقر شدیم، از ساعت 8 صبح شروع می شد و تا 9-10 شب ادامه داشت. این حرکت بازخورد خوبی داشت. خیلی از گروههای فنی که برای کمک به منطقه می آمدند، نمی دانستند باید چه کار کنند. گروههایی که آمدند وقتی این حرکت بچه های هپکو را دیدند، از تداوم این رویکرد استقبال کردند. گروهی از مشهد آمده بودند که در حوزه لوازم خانگی فعالیت می کردند و بعد از اینکه دیدند به این شکل می توانند کمک کنند، در آنسوی شهر یک کمپین تشکیل دادند و شروع به تعمیر تجهیزات خانگی کردند. گروههای دیگر هم از اراک آمدند که در این مسیر همراه ما شدند. از جمله کارگران آذراب که در همین بخش اقدام به کمک رسانی کردند.

شناسایی خانواده های آسیب پذیر و کمک رسانی به آنها و همچنین حضور دو روزه در روستای "مورانی" و تعمیر لوازم و تجهیزات کار اهالی این روستای سیل زده، بخش دیگری از امدادرسانی کارگران هپکو بود. " کار به جایی رسید که بعد از دو روز، همه بخاری ها و آبگرمکن ها و ماشینهای لباسشویی را تعمیر و سرویس کردیم. ضمن اینکه در روستاها اقداماتی در راستای تعمیر ماشین آلات کشاورزی و تجهیزاتی که ابزارکار مردم بود، انجام دادیم. مینی لودر چینی که در این روستا بود، خراب شده بود و با وجود اینکه چینی بود، بچه های ما آن را هم تعمیر کردند .

او در پاسخ به این سوال که تجربه امدادرسانی به مناطق سیل لرستان، با چه محدودیتهایی برای کارگران هپکو همراه بود، می گوید: متأسفانه مدیران هپکو در قالب حرف و شعار خیلی دلسوزند،

ولی در عمل دلسوزانه عمل نمی کنند. یعنی اینگونه نبود که ما بگوییم می خواهیم برای امداد رسانی به مناطق سیل زده برویم و مثلاً مسولین شرکت بگویند؛ ما به شما سه ماشین پیک آپ می دهیم و ابزار و تجهیزات کامل در اختیارتان قرار می دهیم، تا واقعا مفید عمل کنید." حتی در قالب ماموریت هم عازم منطقه نشدیم. ما فقط به زور توانستیم مرخصی اداری بگیریم، در حالیکه اگر ماموریتی حساب می کردند و تجهیزات کامل میداند، می توانستیم حداقل 100 نفر را جمع کنیم و کل منطقه را تحت پوشش امداد رسانی کارگران هپکو قرار دهیم که متأسفانه نشد.

ماشین های چینی و جای خالی ماشین آلات هپکو

کارگران هپکو در کنار تمام تلاشهایی که در مسیر کمک رسانی داشتند، از دردی می گویند که هر بار با دیدن ماشین آلات چینی تازه می شد. "به هر اداره ای که سر میزدیم، می دیدیم به جای محصولات هپکو که تولید ملی خودمان است، محصولات چینی استفاده می شود و این فاجعه است. در حالیکه اپراتورهای این ادارات می گفتند؛ ما آرزو می کنیم یک "بیل مکانیکی" هپکو یا یک "بکهوی" هپکو را داشته باشیم. برچسب روی بیشتر دستگاهها و ماشین آلات چینی است. این محصولات اصلاً قابل رقابت با هپکو نیست. می دانید که شرکتهای بزرگ دنیا، در بحث تایید کیفیت با هیچکس شوخی ندارند. محصولی که ما به صورت اشتراکی با کوماتسو ژاپن، لیبر آلمان و یا ولوو می زدیم، محصولاتی نبود که به راحتی گواهی کیفیت این شرکتهای را گرفته باشد. آنها باید از بابت استاندارد مطمئن شوند، تا با شرکتی مانند هپکو همکاری کنند. این اعتباری که هپکو داشت به راحتی به دست نیامده بود اما متأسفانه امروز می بینیم عده ای بی اعتنا به این ظرفیتهای، با استفاده از نام و برند هپکو تنها به منافع خودشان می اندیشند و هیچ اقدامی در راستای احیای هپکو انجام نمی دهند.

این کارگر ادامه می دهد: در هر روستایی اگر یکی از "بیل بکهو" های هپکو وجود داشت این حجم از خسارت به وجود نمی آمد. در حالیکه استانداری لرستان به هر کدام از این روستاها یک ماشین چینی داده بود که کیفیت هم نداشت. از طرفی بحث خدمات پس از فروش هم مطرح است. در همین حادثه سیل اخیر میدیدیم که خیلی جاها محصولات شرکتهای مثل هیوندا و شرکتهای دیگر استفاده می شد، اما هیچ خدمات پس از فروشی نداشتند که به مردم در این شرایط بحرانی کمک کند. با اینحال بچه های هپکو بدون چشمداشت، واقعا تلاش کردند و در شرایط بسیار بد کمک رسانی کردند".

تجربه کارگران هپکو در امداد رسانی به مناطق سیل زده لرستان و حالا نیروگیری مجدد آنها برای کمک به سیل زدگان خوزستان، تجربه موفقی است از تلاش کارگرانی که آگاهانه ضد مصرف گرایی وارد عمل می شوند تا ثابت کنند صنعت کشور قابل احیاست. به شرط آنکه، شر خصوصی سازی بی ضابطه و رانتخواری هدفمند از سر صنعت و تجارت کشور کم شود و تولید ملی فدای سودجویی بی حد و حصر آقازاده های همیشه حاضر، نشود.

منبع: جامعه نو - لیلا رزاقی - 22 آوریل

*ایران برنده مدال طلای جهان خصوصی سازی مدارس متوسطه بین سالهای 1998 تا 2017

بانک جهانی در اواخر سال قبل میلادی، گزارشی منتشر کرده که نشان می دهد، ایران در خصوصی سازی مدارس متوسطه بین سالهای 1998 تا 2017 در میان کشورهای دنیا رکورددار است.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 3 اردیبهشت، کالایی سازی آموزش با رواج مدارس غیردولتی یا غیرانتفاعی در دهه 70 شمسی شروع شد و به لطایف الحیل با نامها و پسوندهای مختلف مانند مدارس

نمونه دولتی یا طرح خرید خدمات آموزشی در سال‌های بعد ادامه یافت؛ تا جایی که امروز براساس گزارش بانک جهانی، 15 درصد دانش‌آموزان ایرانی در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند و بر خلاف آنچه قانون اساسی به صراحت تاکید دارد، برای دریافت خدمات آموزشی «پول» می‌پردازند؛ بگذریم از اینکه این پول در برخی مناطق مرفه پایتخت و کلانشهرها، از ارقام متعارف و قابل قبول رد می‌شود و در مواردی سر به فلک می‌کشد!

جالب اینجاست که دولت و وزارت آموزش و پرورش هیچگاه این ادعا را که رواج مدارس پولی، خلاف اصل 30 قانون اساسی است، نپذیرفته‌اند؛ ادعای آنها این است که تنها در صورتی می‌توان از حذف تصریح قانون اساسی به ارائه خدمات آموزشی رایگان سخن گفت که مدارس دولتی کامل برچیده شود؛ حال آنکه به گفته‌ی آنها، مدارس خصوصی، جایگزین مدارس دولتی نشده‌اند بلکه در کنار این مدارس، کاستی‌های آموزش را جبران می‌کنند!

رضا مسلمی عضو کانون صنفی معلمان همدان، با بیان اینکه ادعای وزارت آموزش و پرورش در مورد رعایت اصل 30 قانون اساسی صحت ندارد، می‌گوید: سالهاست آموزش کیفی، پولی شده است و آنچه در مدارس دولتی ارائه می‌شود با سطح خدماتی که در برخی مدارس غیردولتی عرضه می‌شود، به هیچ‌وجه قابل قیاس نیست.

آسیب‌های «کالایی‌سازی آموزش» را در چند بستر می‌توان ارزیابی کرد:

اولین و مهم‌ترین آسیب، محرومیت شدید خانواده‌های فرودست از خدمات آموزشی است یعنی در صورتیکه این خانواده‌ها بخواهند هزینه‌های آموزش کیفی بخش خصوصی را تامین کنند، بار زیاد و غیرقابل تحمیلی به سبب هزینه‌های خانوار تحمیل می‌شود.

دومین آسیب، تبعیض و ناعدالتی در حق نیروی کار بخش خصوصی آموزش است که نوع قرارداد شغلی، دستمزد و مزایا و سطح امنیت شغلی آنها بسیار پایین‌تر از معلمان رسمی شاغل در بخش دولتی است.

اما آیا این روند خصوصی‌سازی که در سال‌های گذشته شتاب گرفته، سر باز ایستادن دارد؟ آیا دولت قرار است در سال با همان شتاب قبل یا حتی بیشتر به خصوصی‌سازی آموزش ادامه دهد؟

برای یافتن پاسخ این سوالات، بهتر است نگاهی به آمارها و اطلاعات بیندازیم؛ بانک جهانی در اواخر سال قبل میلادی، گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد، کشورمان در خصوصی‌سازی مدارس متوسطه بین سال‌های 1998 تا 2017 در میان کشورهای دنیا رکورددار است.

بانک جهانی درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه مدارس غیردولتی در سال‌های 1998 تا 2017 در کشورهای دنیا را منتشر کرده است که شیب مثبت این درصد در سال‌های یاد شده در کشور ما بیش از سایر کشورها جلب توجه می‌کند. اگرچه نمودار منتشر شده از سوی این نهاد بین‌المللی برای میانگین جهانی نیز مثبت است، اما باز در تندی شیب به پای کشورمان نمی‌رسد.

طبق این گزارش دانش‌آموزان دوره متوسطه مدارس غیردولتی در کشورمان ظرف 19 سال به 15 درصد رسیده، درحالی‌که در برخی استان‌ها مانند استان آذربایجان شرقی این آمار به نزدیک 50 درصد رسیده است. به طوری که در این استان بیش از 4 هزار مدرسه از حدود 9 هزار مدرسه دایر آن، غیردولتی (پولی) شده است.

این اطلاعات نگران‌کننده در حالی منتشر می‌شود که هیچ آمار دقیقی از میزان ارائه خدمات آموزشی در بخش خصوصی در دست نداریم؛ آخرین آمار در دسترس مدارس غیردولتی کشورمان متعلق به سال 1392 است و پس از آن دیگر آماری در رسانه‌ها در این خصوص منتشر نشده است. البته به جز آمار کلی 13 هزاری که مرضیه گرد (رئیس وقت سازمان مدارس غیردولتی) در سال 95 اعلام کرده بود.

اما فقدان آمار دقیق، تلاش دولت برای خصوصی‌سازی آموزش را پنهان نمی‌کند؛ لوایح و طرح‌هایی مانند بسته حمایتی مدارس خصوصی، لایحه دائمی شدن تأسیس و اداره مدارس غیردولتی و ساختار و شاکله‌ی لوایح بودجه سالانه، همه و همه نمودار واضحی از عزم راسخ دولت‌ها برای کالایی‌سازی آموزش است.

در این زمینه ترفندهایی مانند «خرید خدمات آموزشی» نیز به کمک این هدف آمده است؛ از خرید خدمات آموزشی به عنوان «دگردیسی مدرسه به بنگاه» یاد می‌شود.

موضوع «خرید خدمت نیروی انسانی» در آموزش و پرورش که توسط رئیس‌جمهور در جلسه ارائه لایحه بودجه 98 به مجلس مطرح شد باز هم این نگرانی را در حوزه آموزش ایجاد کرد که دولت به دنبال خصوصی‌سازی دستگاه عریض و طویل آموزش و پرورش است تا با این کار بار سنگین این وزارتخانه را از دوش خود بردارد.

این اظهارات به نحوی مطرح شد که برخی از کارشناسان معتقدند حرف‌هایی که قبلاً در لفافه گفته می‌شد این بار به صراحت مطرح شد تا به نوعی فعالیت بخش خصوصی در فرایند تعلیم و تربیت با قدرت و شدت بیشتر و بدون پرده‌پوشی دنبال شود.

به گفته روحانی برای هر دانش‌آموز به طور متوسط چهار میلیون تومان از خزانه مردم و بیت‌المال هزینه می‌شود، درحالی‌که اگر دولت بخواهد این خدمت را از مردم بخرد و مردم خودشان این کار را انجام دهند حداکثر یک میلیون تومان می‌شود.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه البته این کار یک‌ساله امکان‌پذیر نیست و ممکن است 5 تا 10 سال طول بکشد، تأکید کرد: امسال در بودجه این پیشنهاد را ارائه کردیم که سال آینده حداقل 10 درصد به صورت خرید خدمت باشد و این می‌تواند بعدها نیز با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادامه پیدا کند.

اما برای ارزیابی دقیق رویکرد دولت در قبال خصوصی‌سازی آموزش و احتمال تداوم این روند در سال 98، بهتر است سراغ لایحه بودجه برویم و ببینیم چه اتفاقی قرار است در سال 98 بیفتد.

شهرام جمالی عضو کانون صنفی معلمان استان البرز، در واکاوی بودجه 98 به نکاتی اشاره می‌کند: «نگاهی کلی به جداول مرتبط با بودجه آموزش و پرورش در لایحه بودجه 98 نشان از افزایش حدود 23/7 درصدی بودجه این دستگاه نسبت به سال جاری و همچنین رشد 1/4 درصدی سهم اعتبارات آن از بودجه عمومی دولت دارد. افزایشی که ظاهراً شامل بسیاری از ردیف‌های بودجه آموزش و پرورش شده است ولی واقعیت این است که اعتبارات بسیاری از این ردیف‌ها نسبت به کل اعتبارات این دستگاه در قانون بودجه 97 کاهش یافته است. به عبارت دیگر غیر از ردیف «ادارات کل آموزش و پرورش استانها» که بخش عمده اعتبارات آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد و از رشد 28 درصدی برخوردار بوده و همچنین ردیف «سازمان مدارس غیردولتی» که اعتبارات آن حدود

49 درصد افزایش نشان می‌دهد، اکثر ردیف‌های دیگر در لایحه 98 نسبت به قانون بودجه 97 سهم کمتری از «کل اعتبارات آموزش و پرورش» دریافت کرده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: اما نکته قابل تامل آن است که این کاهش به ویژه در بخش‌های مرتبط با موضوع «عدالت آموزشی» پررنگتر است. یعنی درحالی‌که کودکان کشور در مناطق دورافتاده و محروم به دلایل زیادی از جمله فقر اقتصادی، نبود مدرسه و تجهیزات آموزشی حداقلی و معلمان با کیفیت، از تحصیل بازمانده و یا طرد می‌شوند، تمرکز دولت همچنان روی موضوع خرید خدمات آموزشی و توسعه مدارس غیردولتی است. برای مثال، با آنکه اعتبارات وزارت آموزش و پرورش حدود 26/34 درصد رشد داشته ولی اعتبارات برخی ردیف‌های ذیل آن مثل ردیف «توسعه کمی و کیفی آموزش پیش از دبستان» که تقریباً 100 درصد اعتبارات آن در مناطق محروم هزینه می‌شود و همچنین ردیف «طرح جامع حمایت و ارتقای پوشش تحصیلی مناطق محروم» علیرغم بودجه بسیار اندکی که در قانون بودجه 97 به آنها اختصاص داده شده بود، هیچ افزایشی در لایحه 98 نداشته و بدون تغییر باقی مانده‌اند. ردیف بودجه «کیفیت بخشی به فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و توسعه عدالت آموزشی» نیز رشدی در حدود 1/85 درصد داشته است. اما در مقابل، بودجه «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» از بیشترین افزایش برخوردار بوده است که نزدیک به 49 درصد است. همچنین ردیف‌هایی مثل «خرید خدمات آموزشی در مناطق کمتربرخوردار» و «برون‌سپاری و توسعه مشارکت‌ها در آموزش‌های کارودانش» نیز به ترتیب از رشدی در حدود 21 درصد و درصد برخوردار شده‌اند. در میان «اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه» نیز بیشترین افزایش بازهم مربوط به «سازمان توسعه مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی» است که با افزایش 5/52 برابری بالغ بر 425 درصد نسبت به قانون بودجه 97 رشد داشته است و از این جهت یک رکورد را به نام خود ثبت کرده است!

جمالی تاکید می‌کند: البته یک نکته مهم این است که اخیراً برخی نمایندگان مجلس در مصاحبه با رسانه‌ها و در اظهاراتی کلی، گفته‌اند: «پیشنهادات دولت در زمینه خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش در لایحه بودجه 98 به صورت مطلق رد و این موارد از لایحه حذف شده است» در این خصوص باید توجه داشت که اشاره نمایندگان به حذف برخی بندهای تبصره‌های 19، 20 و 21 لایحه بودجه 98 با موضوع «خرید خدمات آموزشی از بخش غیردولتی» بوده است که این بندها «ماهیت بودجه‌ای» ندارند. به عبارت دیگر در مجلس هیچکدام از ردیف‌های بودجه مرتبط با بخش مدارس غیردولتی یا خرید خدمات آموزشی از لایحه حذف نشده است.

وی در جمع‌بندی می‌گوید: در کل می‌توان گفت این نوع مهندسی بودجه در توزیع نامتوازن اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، حاکی از آن است که موضوع «عدالت آموزشی» خصوصاً در مناطق کمتربرخوردار و در مورد کودکان بازمانده از تحصیل، همچنان مغفول مانده و در معرض نگاه بودجه‌ریزان نیست ولی در مقابل، طبقاتی شدن مدارس، توزیع نابرابر فرصت‌های آموزشی و فرایند تفکیک و تمایز میان دانش آموزان به ویژه بر پایه پایگاه درآمدی خانواده، بی‌وقفه ادامه یافته است. اینکه نام این پدیده را خصوصی‌سازی آموزش یا چیز دیگری بگذاریم، اهمیت چندانی ندارد.

وی در انتها تاکید می‌کند:

«مهم این است که تداوم سلب مسئولیت از وظایف اصلی دولت در امری حاکمیتی مثل آموزش عمومی و با هدف به اصطلاح کاهش هزینه‌ها، آینده مطلوبی را برای کودکان این سرزمین به ارمغان

نخواهد آورد و این موضوعی است که علیرغم آنکه بارها از حدود سه دهه پیش تاکنون از صاحب‌نظران، کارشناسان و فعالان صنفی حوزه آموزش و پرورش گرفته تا تشکل‌های صنفی و حتی برخی نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف، تکرار و نسبت به پیامدهای ناگوار آن هشدار داده شده است ولی گویا گوشی شنوا و اراده‌ای جدی برای جلوگیری از تداوم این روند در میان کاربدستان وجود ندارد.»

جای تردید نیست که دولت قصد دارد گفت‌وگوها را به نفع خود و البته به نفع خصوصی‌سازی تغییر دهد؛ به این معنا که "ما خصوصی‌سازی نمی‌کنیم بلکه به دنبال کاهش هزینه‌های دولت هستیم و بخشی از بار را بر دوش مردم می‌اندازیم!" ولی واقعیت این است که به گفته‌ی جمالی "اراده‌ای جدی برای جلوگیری از تداوم روند خصوصی‌سازی در میان کاربدستان وجود ندارد!" اما آیا این روندی که دولت به بهانه کمبود بودجه و با سرعت بسیار در پیش گرفته، جز به حاشیه راندن هرچه بیشتر مردمان فرودست نتیجه‌ای خواهد داشت؟ به راستی آیا «تحصیل رایگان» که حق همه شهروندان است، به همین راحتی و از طریق تغییر گفت‌وگوها، قابل سلب شدن است؟!

***احضار غالب حسینی به حراست سپاه شهر سنندج**

روز سه شنبه سوم اردیبهشت ماه، غالب حسینی طی تماسی تلفنی به حراست سپاه سنندج احضار شد. به گزارش کانال تلگرام کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگر، در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، «غالب حسینی» فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به حراست سپاه واقع در اداره گذرنامه سنندج احضار گردید. بر اساس خبر دریافتی، امروز سه شنبه سوم اردیبهشت، طی تماس تلفنی، از غالب حسینی خواسته شده که فردا چهارشنبه، چهارم اردیبهشت نودوشت، در این اداره حاضر شود.

***آزادی اصغر امیرزادگان کنشگر فرهنگی شیراز با قرار کفالت 20 میلیون تومانی**

روز شنبه 31 فروردین، اصغر امیرزادگان، از معلمان کنشگر استان فارس بدنبال احضار به دادستانی شهرستان فیروزآباد در استان فارس بازداشت و پس از یکروز بتاریخ 1 اردیبهشت با قرار کفالت 20 میلیون تومانی موقتاً آزاد شد.

احضار و بازداشت اصغر امیرزادگان با شکایت دادستان فیروزآباد تحت لوای «تبلیغ علیه نظام» به دلیل انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت.

قابل یادآوری است که، پیش از این اصغر امیرزادگان در تحصن سراسری معلمان در مهرماه 97 با اتهام «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی» در همین دادستانی 2 روز بازداشت و با قرار کفالت 30 میلیون تومان آزاد شد و برایش قرار منع تعقیب صادر شد.

***عدم پرداخت 2 ماه حقوق کارگران خدمات شهری رشت**

خبر کوتاه: حقوق ماه‌های اسفند و فروردین کارگران خدمات شهری رشت پرداخت نشده است.

***مصدومیت 3 کارگر معدن مس نسیم بر اثر سقوط تانکر هیدرولیک دستگاه سنگ شکن**

3 کارگر معدن مس نسیم واقع در شهرستان بردسکن، استان خراسان رضوی، بر اثر سقوط تانکر هیدرولیک دستگاه سنگ شکن مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

براساس گزارش رسانه ای شده،مدیر اجرایی مجتمع مس نسیم بردسکن در این باره گفت: بر اثر خلاص شدن زنجیری که به سنگ شکن بسته شده بود، تانکر هیدرولیک سنگ شکن زنجیر بر روی کارگران سقوط کرد که از آنجاکه این فاصله کمتر از یک متر بوده است، خوشبختانه برای این کارگران جراحت جدی به وجود نیامد.

وی افزود: با اینحال کارگران مصدوم سریعاً به بیمارستان ولی عصر بردسکن منتقل و پس از مراحل درمانی و عکس برداری، حال عمومی آنها رضایت بخش اعلام شد.

***حادثه آتش سوزی لنج ماهیگیری در بابلسر4مصدوم برجا گذاشت**

سخنگوی اورژانس مازندران از مصدومیت 4نفر در حادثه حریق لنج ماهیگیری در بابلسر خبر داد.

زکریا اشک پور افزود:در ساعت 11 و 42 دقیقه روز سه شنبه 3 اردیبهشت خبر این حادثه به مرکز ارتباطات اورژانس مازندران اعلام شد.وی تصریح کرد: بلافاصله آمبولانس های پایگاه های اورژانس بابلسر یک و دو به محل حادثه واقع در اسکله بابلسر اعزام شدند.

سخنگوی اورژانس مازندران خاطر نشان کرد: در این حادثه که در اثر آتش سوزی یک دستگاه لنج ماهیگیری رخ داد 4 نفر مصدوم شدند که از این مصدومین یک نفر به بیمارستان شفا بابلسر منتقل شد و 3 نفر توسط تیم اورژانس به صورت سرپایی مداوا شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com